

گفت‌وگو درباره آموزش و پرورش و عدالت آموزشی در مجله تصویری علوم انسانی «زاویه»

«رقابت» در مدرسه‌داری؛ اسلامی یا سرمایه‌داری

مهرمحمدی: باید به سمت آموزش و پرورش رقابتی برویم
ذو‌علم: «رقابت» ماهیتا ایده‌ای سرمایه‌داری است



کلیدواژه‌هایی مثل «تمرکززدایی» و «رقابت‌پذیری» در طر ح شما به ایده‌هایی مانند «بازار آزاد آموزش و پرورش» بسیار نزدیک می‌شود. آیا ایده بازار آزاد را تکرار می‌کنید یا با آن مرزبندی دارید؟

مهرمحمدی حتما مرزبندی دارم. الان تأکید کردم ما به مدرسه آزادی عمل می‌دهیم و به مدرسه می‌گوییم تو باید درجهت اعتلا و ارتقای کیفیت خدمات، لحظات را مغتنم بشمارید ولی در چارچوب مانیفست و اصولی که سند تحول و مبانی نظری ما برای تربیت، تدارک دیده است؛ بنابراین اصلا بچشم بحث بازار آزاد و خصوصی‌سازی نیست، این از یک جهت. از جهت دیگر اینکه بودجه، بودجه دولت و وظیفه، وظیفه دولت است. قانون اساسی تصریح دارد که باید زمینه آموزش و پرورش را برای مترقیان تا پایان آموزش عمومی تدارک ببینند و به‌نظم پایان آموزش عمومی و آموزش و پرورش، یعنی پایان اتفاقا در نگاه اسلام، مدیریت یک امر کاملا توزیع شده است. باید مدرسه را به‌عنوان یک داریم که ممکن است کماکان لازم باشد مدارس ما دولتی اداره شود. مثلا فرض کنید در هنرستان‌های کارودانش، فنی و حرفه‌ای یا در مناطق محروم، اگر لازم باشد دولت کماکان در آن زمینه‌ها البته حضور خود را حفظ خواهد کرد.

ذو‌علم با عرض معذرت اعتقاد این است که بحث «رقابت» اساسا یک تز اسلامی نیست؛ این ایده جناب آقای دکتر مهرمحمدی عناصر متفاوتی دارد که روی هر کدام باید مستقل بحث کرد. خیلی خوب است شورای عالی آموزش و پرورش یک فراخوانی ارائه دهد؛ ایده‌هایی که نگاه عملیاتی، قابل اجرا و معتبری از نظر جامعه آموزش و پرورش است را جمع‌آوری کند و روی آنها بحث شود. قطعا در این تضارب آرا به فکریهایی می‌رسیم و این خیلی لازم است. اتفاقا در نگاه اسلام، مدیریت یک امر کاملا توزیع شده است. باید مدرسه را به‌عنوان یک واحد مستقل مسئول، پاسخگو دارای اختیار درعرصه اجرایی، فرهنگی، تربیتی و آموزشی تعریف کنیم؛ منتها در ذیل آن قواعد کلی، برنامه درسی مشترک و اصول تحولی که داریم. این نظرات حتما باید وجود داشته‌باشد. باید درواقعیت سخن بگوییم، واقعیت آموزش و پرورش و تک مدارس ما یا این ایده‌هایی که مطرح می‌شود خیلی فاصله دارد. البته قبول دارم باید ایده‌های نو ارائه دهیم و ایده‌ها را به هم گریزیم. چرادر اینجا سراغ تجربه برخی از کشورها نمی‌رویم؛ یعنی ما در برخی از زمینه‌ها می‌گوییم ببینید کشورهای غربی، آلمان، فرانسه و انگلیس چه کار کرده‌اند. اینجا که می‌آییم یک طرحی مطرح می‌کنیم که این طرح اصلا نمی‌تواند نمونه بیرونی داشته باشد که بگویید در آنجا اجرا شده و موفق بوده است.

مهرمحمدی اتفاقا عکسش را می‌شود گفت که چطور وقتی ما صحبت از مباحث دیگر آموزش و پرورش می‌کنیم، می‌گوییم آن چیزی که غربی‌ها می‌گویند، باطل است ولی در بحث‌های اینچنینی، حتما یک مایه‌ای بیرونی برایش طلب می‌کنیم. این هم یک تعارض و تناقض است.

ذو‌علم اینجا عرض می‌کنیم واقعا «ایده رقابت» یا، مایه‌تاک ایده سرمایه‌داری است. در نگاه اسلامی اساسا «رقابت» به آن معنا، معنا ندارد. ما در اسلام بحث تعامل داریم.

مهرمحمدی آقای ذو‌علم شما علم هستی‌دولی من نیستم «فاستبقوا الخیرات».

ذو‌علم آن بحث استیباق است نه بحث رقابت.

مهرمحمدی در خیر پیشی گرفتن، تعلیم و تربیت مصداق بارز خیر است. چرانی‌می‌توانیم این را تفسیر کنیم؟

ذو‌علم امروز سرانه‌ای حداقلی که باید به مدارس ما داده شود واقعا از تأمین آن مایحتاج ضروری مدرسه هم عاجز است.

متأسفانه مدیر مدرسه ما جلسه می‌گذارد و از اولیایی که دست‌شان به جیب‌شان می‌رسد، سعی می‌کند این هزینه‌ها را تأمین کند. برخی از مدیران ما از جیب خود پول خرج می‌کنند؛ بنابراین خبری از بعد اقتصادی در مدرسه نیست که بخواهیم آن را رقابتی کنیم.

مهرمحمدی واقعا تعجب می‌کنم چرا باید رقابت یک ایده غیراسلامی و درواقع ضداسلامی و مغایر با فرهنگ ما و برخاسته از فرهنگ غربی معرفی شود؟! اگر رقابت چنین وجهی دارد، اساسا در همه عرصه‌های زیست انسان و مدیریت جامعه باید روی آن خط بطلان بکشیم. این الگو، الگوی مدیریتی رقابتی آموزش و پرورش است و حرفش این است که مدارس ما فقط در سایه رقابت است [که پیشرفت می‌کنند]. در سایه این به اصطلاح انگاره «حذف از صحنه» به‌شروط اینکه نتوانند کیفیت لازم آموزشی و تربیتی را تدارک ببینند، خودشان را به آب و آتش خواهند زد و آن کیفیت حاکثری و به‌روری حاکثری را می‌توانیم شاهد باشیم.

مدارس باید نان باروزی خود را بخورند. تا مدارس به یک معنا، نان مفت و نانی که به خاطرش زحمت نکشیدند را می‌خورند، به‌طور طبیعی آن جهشی که در نظر کیفیت باید برایشان رخ دهد، رخ نمی‌دهد. من این پدیده رقابت را همان‌طور که عرض کردم شرط پایداری مقوله کیفیت می‌دانم و فکر می‌کنم دولت هم باید نهایت تلاش خود را کند تا منابعش را بالا ببرد و البته در توزیع منابع سهم خانوارها بیشتر شود و بتوانیم این سهم را به‌صورتی که با عدالت اقتصادی تناسب دارد، به نسبت دهک اقتصادی خانوارها، فی‌المثل توزیع کنیم و از این طریق انتظار و البته نظارت دولت هم باید به‌قوت خود باقی باشد؛ اما دولت کار مدرسه‌داری و ارتقای کیفیت خدمات آموزشی تربیتی [را باید کنار بگذارد]. دولت خود حجاب کیفیت است و باید از میان بریزد.

ذو‌علم باید از تأسف کنیم از اینکه بحث‌هایی می‌شنویم که از واقعیت بسیار دور است. امروز در مدارس، معلمان بسیار از آن زحمتی که می‌کشند مایه‌ای مادی [کمتری] دریافت می‌کنند. این تلقی و تصور که معلمان باید نان باروزی خود را بخورند حرف کشنگی است ولی الان مصداق ندارد. الان یک معلم ما در روستا با پول جیب خودش در مدرسه کار

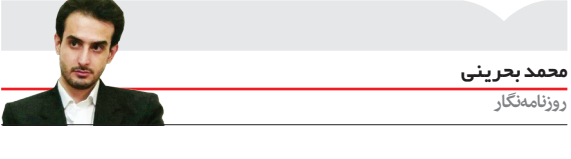
پرورشی. مهم‌ترین تعارض را بین کدام دو قطبی می‌بینید که وضع ناعادلانه‌ای را برای آموزش و پرورش ایران رقم می‌زند؟

مهرمحمدی بله. ما در بحث مربوط به تأمین عدالت کیفی در آموزش و پرورش واقعا دچار یک تسلسل و دور باطل شدیم و از هر جا بخواهیم شروع کنیم، می‌بینیم لنگ چیز دیگری هستیم. این تسلسل در این ۴۰ سال دست از گریبان آموزش و پرورش برنداشته است و هیچ‌وقت نتوانستیم بگوییم الان در همین شرایط، بدون اینکه نیاز به تهمدید مقدمات دیگر و تدارک شرایط دیگری داشته باشیم، چه کار می‌توانیم بکنیم تا آموزش و پرورش در مسیر تغییر و تحول و تعالی و کیفیت قرار بگیرد؟ همیشه گفتیم دولت باید پول بیشتری بدهد همیشه گفتیم مردم باید کمک بیشتری بکنند. همیشه گفتیم نگاه‌ها به آموزش و پرورش باید به‌عنوان شاهراه دستیابی به چشم‌اندازهای توسعه‌در ابعاد مختلف کشور باشد. ولی سوال من این است که آیا واقعا آموزش و پرورش با این خروجی‌هایی که می‌دهد می‌تواند مطالبه‌کننده منابع بیشتر باشد؟ منابع بیشتر برای چه؟ ما واقعا باید برای آموزش و پرورش و براساس مشرب فکری خودمان، تقدس قائل باشیم، اما نمی‌توانیم پشت این تقدس و قداستی که برای آموزش و پرورش قائل هستیم، سنگر بگیریم و مدام «هل من مزید» بگوییم! بالاخره باید کاری کنیم. باید خروجی‌های آموزش و پرورش، خروجی‌هایی باشد که بتواند پاسخگو باشد و دیگر شاهدان این ایدانآسب‌های اجتماعی، نابسامانی‌ها، مشکلات فرهنگی و نابسامانی‌های اقتصادی نباشیم. درعین حالی که باید مطالبه‌گر باشیم، به موازات مطالبه‌گری باید طرح مشخص «تحول» داشته باشیم. البته ما سند تحول را در راستای دستیابی به کیفیت داریم. حتما آقای دکتر ذو‌علم می‌گویند [باید] آنچه بیشتری شود و منابع بیشتری تزریق شود و پشتیبانی بیشتری از آموزش و پرورش در کل حاکمیت بشود تا سند تحول را بتوانیم اجرا کنیم و آن موقع از این دور باطل خارج شویم. عرضم این است حتی اگر نخواهیم منتظر این شرایط - که شرایط خوبی است- باشیم، آیا می‌توانیم نقطه عزیمت دیگری تعریف کنیم؟ **ذو‌علم** با عرض معذرت این نگاه را قدری غیرعادلانه می‌دانم؛ یعنی مساله تعلیم و تربیت در جامعه نباید فقط مساله وزارت آموزش و پرورش تلقی شود. چرا آقای دکتر مهرمحمدی انتظار دارید فقط وزارت آموزش و پرورش این طرح را دهد؟ ما یک وزارتخانه درست کردیم با یک وزیر، مجموعه معاونان، معلمان، مدیران و... از ایشان انتظار داریم همه مسائل علمی، دانشی، اخلاقی، آسیب‌های اجتماعی و... را برای دانش‌آموزان حل کنند بدون اینکه حداقل امکان‌ات در اختیارشان باشد. امروز واقعا میانگین کارآمدی معلمان

ما از میانگین به‌روری بقیه اقشار کارمند ما به مراتب بیشتر است. من یک موقع این را محاسبه کردم که عرض می‌کنم؛ یعنی اگر یک معلم ما باید ۲۴ یا ۲۸ ساعت در مدرسه حضور داشته باشد و سر کلاس برود و کار سخت کلاس را به عهده بگیرد، این به معنای این است که به‌اندازه ۴۵۰۴۰ ساعت دارد انرژی صرف می‌کند. یک کارشناس در یک وزارتخانه، یک کارمند در یک وزارتخانه و دستگاه دیگر اگر شیفنی کار کند خیلی کمتر از این وقت می‌گذارد. اگر [غیر شیفتی هم باشد] به‌طور روزانه از ساعت ۸ تا ساعت ۴ بعدازظهر دارد کار می‌کند اما بسیار میزان کارش کمتر از این است. اگر ما داریم از جامعه پیشرفته و برتر درامور اخلاقی سخن می‌گوییم اگر سند الگوی پیشرفت خود را الان برای ۵۰سال بعد طراحی می‌کنیم، واقعا بدون محور دانستن تربیت اساسا پیشرفتی حاصل می‌شود؟ پیشرفت که ابلاغی، دستوری و بخشنامه‌ای نیست؛ یعنی یک اندیشه‌ای باید در فرد شکل بگیرد و هویت ملی فرد ارتقا پیدا کند. [باید] تعلقات اسلامی، ایرانی و انقلابی فرد ارتقا

پیدا کند تا ما به پیشرفتی برسیم. باید اقتصاددانان ما به کمک آموزش و پرورش بیایند؛ یعنی اقتصاد آموزش و پرورش ما را فقط وزیر نباید حل کند؛ فقط کارشناس بودجه آموزش و پرورش نباید آن را حل کند. اساسا اینکه ما بودجه و منابع آموزش و پرورش را به منابع اعتبارات جاری پیوندزیم، غلط است. در برخی از کشورها این را اجرایی کرده‌اند؛ یعنی منابع مطمئن پایدار برای تعلیم و تربیت ایجاد کردند. اساسا این منابع درآمشد در خزانه دولت نمی‌آید و بعد به آموزش و پرورش برود؛ مستقیم به صندوقی می‌آید که برای تعلیم و تربیت است. یک شورای عالی ملی قابل اعتماد هم برای این صندوق گذاشتند و آن دارد کار خود را انجام می‌دهد. ما می‌توانیم از این تجربه‌ها استفاده کنیم هم به کیفیت اضافه کنیم، هم از این دور باطلی که آقای دکتر مهرمحمدی گفتند نجات پیدا کنیم.

مهرمحمدی همان‌طور که عرض کردم ما نباید مدام موضوع تغییر و تحول را به تأخیر بیندازیم و مرتباً آن را به تمهید شرایط دیگر ا‌حاله نکنیم و اراجاع ندهیم. این اصل ایده من است. برای این باید چه کار کنیم؟ «رقابت‌پایدار» تولیدکننده کیفیت‌مانگارا است. نمی‌دانم چرا رقابت‌نااهمه داریم! رقابتی که از آن صحبت می‌کنم یعنی اینکه تابعی جان و وجود یک مدرسه این تهدید به وجودیاید که اگر من در رقابت برای تدارک کیفیت آموزشی و تربیتی برتر کم بیاورم، از صحنه حذف می‌شوم؛ یعنی شرط بقای مدرسه در صحنه تعلیم و تربیت، رقابت، آن‌ها من نوع دستیابی به کیفیت‌ها برتر آموزشی و تربیتی‌شود. همین‌جا تصریح کنم، و قبل‌ها هم گفتم، اگر می‌توانیم ۵۰ هزار میلیارد را ۱۰۰ هزار میلیارد کنیم حتما این کار را انجام دهیم؛ اما این پول را نباید دست مدرسه بدهیم. مدرسه باید این پول را در ازای شایستگی‌هایی که کسب کرده است از دست خود والدین بگیرد. والدین باید یک عاملیتی داشته باشند. من این را حق شهروندی-تربیتی والدین تلقی می‌کنم. والدین ما باید عاملیت تربیتی» داشته باشند و بتوانند با سهمی که از بودجه دولت دارند، از نهادهای آموزشی که به‌زعم و نظر و با استانداردهای آنها [و البته در چارچوب یک سیستم و یک مانیفست تعلیم و تربیت نظام جمهوری اسلامی ایران] مطالبقت دارند، خرید خدمت آموزشی کنند و آنها خدمات آموزشی و تربیتی بهتری ارائه دهند.



مجله تصویری علوم انسانی «زاویه» با موضوع «آموزش و پرورش ایران و آزمون عدالت آموزشی» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذو‌علم، عضو هیات‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و دکتر محمود مهرمحمدی، رئیس هیات‌مدیره انجمن مطالعات برنامه‌درسی ایران، همراه با پرسشگری حبیب‌الله مهرپور ازغدی، دانشجوی دکتری فلسفه آموزش و پرورش، چهارشنبه پنج دی ۱۳۹۷ از شبکه ۴ سیما پخش شد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را خواهید خوانند.

۱۱۱

با برنامه‌ای دیگر از سری برنامه‌های زاویه در خدمت شما هستیم تا به موضوع عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران بپردازیم. سوال اصلی برنامه امشب این است که آموزش و پرورش ایران در آزمون عدالت آموزشی چه نمره‌ای را کسب می‌کند؟ در این برنامه با همراهی جناب آقای دکتر محمود مهرمحمدی، عضو هیات‌علمی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر علی ذو‌علم، عضو هیات‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در خدمت شما خواهیم بود.

مهرمحمدی از فرصتی که برای گفت‌وگو درباره مساله آموزش و پرورش فراهم کردید، خیلی متشکرم. [این بحث] شاید مهم‌ترین، زیربنایی‌ترین و راهبردی‌ترین مساله برای هر جامعه‌ای واز جمله جامعه اسلامی ماست. خدمت بینندگان عزیز هم عرض سلام و ادب دارم و تسلیت عرض می‌کنم؛ اتفاق بسیار ناگوار و ناخوشایندی که برای تعدادی از دانشجویان افتاد که متأسفانه در یک سانحه جان خود را از دست دادند. به خانواده‌هایشان تسلیت عرض می‌کنم. بحث اصلی در موضوع عدالت آموزشی این است که وقتی بچه‌ها به مدرسه می‌روند و این پوشش تحصیلی فراهم می‌شود در مدرسه چه اتفاقی می‌افتد. اگر عدالت را منظر کیفیت بخواهیم نگاه کنیم، به‌باور من نمره قبولی به آموزش و پرورش نمی‌توانیم بدهیم. باید چاره‌یابی و ارائه راه‌حل کنیم که حتما به آنها هم بخواهیم پرداخت؛ اما واقعا ناعادلانه‌ترین اتفاق این است ما نتوانستیم فرصت‌های آموزشی، یادگیری، رشد و تربیتی مناسب در راستای تحقق اهدافی که در آموزش و پرورش باید آنها را دنبال کنیم در هیچ یک از ابعاد علمی، دینی و مهارتی فراهم کنیم. [در واقع نتوانستیم] فرصت‌های یادگیری و رشد برخوردار از کیفیت و پاسخگویه نیازهای مترقیان جامعه، همراه با بهره‌گیری از فناوری‌های روز و روزهای روزآمد فراهم کنیم.

آقای دکتر ذو‌علم شما هم بفرمایید به عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران چه نمره‌ای می‌دهید؟ و اینکه ناعادلانه‌ترین وجه آموزش و پرورش ایران را چه می‌بینید؟
ذو‌علم خدمت همه بینندگان عزیز، جناب‌عالی و آقای دکتر مهرمحمدی سلام عرض می‌کنم. رحلت مرحوم آیت‌الله شاهرودی و ضایعه اسفناکی که برای تعدادی از دانشجویان رخ داده را تسلیت عرض می‌کنم.

فکر می‌کنم نمی‌شود آموزش و پرورش را از کل جامعه بدانیم و بخواهیم ببینیم در آموزش و پرورش چقدر عدالت آموزشی اتفاق افتاده است؟ فکر می‌کنم قبل از آن باید به عدالت درباره آموزش و پرورش فکر کنیم؛ یعنی [ببینیم] در کل جامعه ما هم در سطح نگاه مردم، هم در توزیع امکانات و اعتبارات جامعه و هم در توجه دستگاه مسئول، اساسا چه مقداری نسبت به آموزش و پرورش عدالت اعمال می‌شود. به‌نظم اگر آموزش و پرورش را منتزع از دیگر بخش‌های جامعه ببینیم، با توجه به تلاشی که در آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، نمره‌ای که می‌دهیم، درست نیست. حقیقتا در آموزش و پرورش

تلاش بسیار گسترده‌ای صورت می‌گیرد. از کف مدرسه گرفته که معلمان، مربیان و مدیران تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند. معلمانی داریم که گاهی ۵۰،۴۰ کیلومتر مسیر طی می‌کنند تا به مدرسه برسند و هیچ توقع و انتظاری برای مادی ندارند. گاهی برخی از این نمونه‌ها یک موقعی بروز پیدا می‌کند ولی متأسفانه معمولاً دیده نمی‌شود. آن مقداری که در رسانه ملی بقیه مقولات مطرح و بزرگ شمرده می‌شود، آموزش و پرورش هنوز نتوانسته به جایگاه خود برسد و ظلمی از طرف رسانه‌ها به مقوله تعلیم و تربیت می‌شود. در جامعه یک بی‌عدالتی در توزیع منابع هست که این هم مساله مهمی است. به‌خصوص در نگاه دینی و انقلاب اسلامی، مهم‌ترین رسالتی که حاکمیت درباره جامعه دارد زمینه‌سازی برای رشد فرهنگی، تربیتی و معنوی جامعه است. [با این حال] واقعا در این مورد دچار یک نوع کم‌کاری مزمن هستیم. در نگاه خود جامعه به تعلیم و تربیت با نگاه عادلانه‌ای وجود ندارد و کمتر عادلانه است. البته اگر بخواهیم مقایسه کنیم، بین نگاه کل جامعه و به‌خصوص بخش‌هایی از جامعه که احساس وظیفه بیشتری

نسبت به بحث تعلیم و تربیت دارند، نسبت به دستگاه اجرایی کشور و دستگاه مسئول، نمره بیشتری می‌دهم. بنابراین نظام آموزشی جدید در کشور بنا بر یک نقشه راهبردی بود که توسط کشورهای استعمارگر بر آموزش و پرورش ما [تحمیل شد]. این کشورها سیاست و اقتصاد ما را تحت تأثیر خود قرار داده بودند و درواقع پروژه آموزشی در کشور را یک بخشی از پروژه استعمار و تعمیق «دنیا‌لر» بودن ما نسبت به نظام سلطه غرب تعریف کرده بودند. متأسفانه همان نگاه در تاروپاد آموزش و پرورش ما کم‌وبیش وجود دارد و هنوز نتوانستیم آن چرخش و تحول بنیادین را در جهت تغییر این مبنای نظری ایجاد کنیم. اگر بخواهیم در این مورد نمره بدهم قطعا نمره کمتر از ۱۰۰ خواهد داد. اساسا اگر ما تعلیم و تربیت را صرفا یک مقوله دولتی، [دولت به معنای قوه مجریه] تلقی کنیم، نگاه ناعادلانه‌ای به این مقوله داشته‌ایم. اگرچه حاکمیت باید یک نگاه کلان داشته باشد ولی نگاه دولتی را باید تعدیل کنیم و آن نگاه مردمی، دینی و انقلابی به آموزش و پرورش را خیلی تقویت کنیم. معتقدم تا وقتی که «جهاد آموزشی» در جامعه ما شکل نگیرد، نمی‌توانیم مساله آموزش و پرورش را حل کنیم. الان بحث بودجه سال ۱۳۹۸ در مجلس جریان دارد و متأسفانه گاهی زرمزه‌هایی را می‌شنویم که گویا باز قرار است ما به‌نحوی از منابع آموزش و پرورش بکاهیم یا آن را ثابت نگه داریم و به روش‌هایی دست بزیم که نهایتا به کمتر کردن کیفیت در آموزش و پرورش منتهی خواهد شد. [از چنین اتفاقی بیفتد] ممکن است که همین کیفیت آموزش و پرورش ما که در حد توقع نیست را هم تشدید کند. این خیلی موجب نگرانی است و باید نسبت به آن حساسیت داشته باشیم و به آن بپردازیم.

معمولا در تحلیل آموزش و پرورش کشور و نگاه کلان به آن از دو قطبی‌هایی یاد و بیان می‌شود که وضع امروز آموزش و پرورش ایران ناشی از یک سردرگمی بین این دو قطبی‌هاست؛ مواردی مانند کسری بودجه دولت‌ها و اصل ۳۰ قانون اساسی یا نیاز به رشد کمی آموزش و پرورش و کیفی‌سازی فرآیندها و فضا‌های آموزشی و



فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir

فرهنگیستان
www.fdn.ir